

پرداخت‌ها، باید منابع تازه‌ای جست‌وجو کرد که در شرایط تحریم فروش نفت کارساده‌ای نیست. به نظر می‌رسد دولت چهاردهم ضرورت تغییر پارادایم در حکمرانی را دریافته و در حال حرکت به آن سمت است. اما برخی جریان‌ها و نخله‌های سیاسی و فکری، همچنان بر راه‌حل‌های قدیمی و ساده‌سازی‌شده تکیه دارند. مسأله این است که راه‌حل‌ها و نگرش‌های دیروز متناسب شرایط امروز ایران نیست و تداوم آن، جز به پوپولیسم و از دست دادن بیش از پیش انواع منابع، از منابع طبیعی تا سرمایه‌های اجتماعی در کشور منجر نمی‌شود. راه‌حل، بازگشت به مسأله است، به غور در هر مسأله، شناخت ابعاد آن، شناسایی ذی‌نفعان راه‌حل‌های ساده و یافتن راه‌حل‌های پیچیده با تکیه بر شناخت تعارض منافع. امروز بر سربریک دوراهی ایستاده‌ایم: با پیدا کردن راهی نو، با زوال ظرفیت‌های موجود. در چنین شرایط تاریخی و ویژه‌ای است که اهمیت سؤال پزشک‌یان روشن می‌شود: «یکی بیاید بگوید چه کار کنیم؟»

اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سیاست خارجی، وارد مرحله‌ای شده است که دیگر نمی‌توان از راه‌حل‌های تک‌خطی و یک‌مرحله‌ای صحبت کرد. امروز به همان اندازه که مسأله‌های ایران پیچیده شده‌اند، راه‌حل‌ها غامض‌تر شده و منابع حل مسأله هم رو به نقصان رفته است. درآمدهای سرشار نفتی دهه ۸۰ دیگر در میان نیست که بتوان اصلاح قیمت بنزین را با تکیه بر آن انجام داد یا با تکیه بر آن درآمدها و بحران صندوق‌های بازنشستگی را حل کرد. آبی هم دیگر نمانده که بتوان با لوله‌کشی، آن را از یک حوضه آبریز به حوضه آبریز دیگر منتقل کرد. و تمام اینها تازه، غیر از کاهش سرمایه‌های سیاسی و اجتماعی و ضعف مرزمن اقتصاد ملی ما است.

در شرایط پیچیده امروز، دیگر عصر آن دوران گذشته است که گفته شود «با دستور رئیس‌جمهوری فلان مشکل حل شد»، مثلاً به فلان شهرآب رسید یا مطالبات فلان قشر پرداخت شد. امروز اگر اراده‌های مدیران هم دو برابر شود، اساساًایی نیست که منتقل شود، یا برای

به حوزه‌های دیگر هم سرایت داد. درباره عفاف و حجاب، درباره درمان یا تعارض منافع حوزه تأمین دارو، درباره تعارض منافع حوزه تأمین اجتماعی وجود دارد، تعارض منافع در قیمتگذاری بنزین میان اقشار برخوردار و اقشار محروم که بر زمین مانند آن باعث تداوم وضعیت فعلی شده است و در نتیجه اقشار محروم به کلی درباره بنزین زیان می‌کنند. حتی در حوزه سیاست خارجی هم این مسأله صدق دارد، به این معنی که مسأله‌های سیاست خارجی بسیار پیچیده هستند و ایران تنها بازیگر آن نیست که با یک رئیس‌جمهوری یا وزیر امور خارجه، با یک تصمیم همه مشکلات حل شود.

دوران راه حل های ساده به سرآمده است

به نظر می‌رسد امروز مهم‌ترین مسأله ما این است که بپذیریم نباید برای مسأله‌های پیچیده، راه‌حل‌های ساده تعیین کنیم. مسأله ما این است که اساساً بپذیریم دوران راه‌حل‌های ساده به سرآمده است. ایران از نظر حکمرانی،

نگفت که این، خط دوم انتقال آب از سد طالقان به تهران است و اینکه اساساً به لحاظ تاریخی، آب این سد، اصلاً برای تهران نبوده و نیست، و اگر قرار است آب سد طالقان به تهران منتقل شود، تکلیف دشت قزوین و سایر جاهایی که از این آب استفاده می‌کنند، چه می‌شود؟ حل نمی‌شود. کما اینکه اکنون زیر زمین مثلاً مسأله آب تهران، دیگر با لوله‌کشی نقاط مختلف ایران میلیون‌ها کیلومتر خط لوله انتقال آب وجود دارد، اما نه تنها مشکل آب به هیچ وجه حل نشده، بلکه اساساً نظم و نظام تاریخی و سنتی آب در این سرزمین هم از میان رفته است. آنچه را پزشک‌یان درباره آب تهران گفت می‌توان

سخنان پزشک‌یان با اهالی رسانه را با عینک سیاسی تحلیل نکنید

نطق «سیاستی» به جای موضع‌گیری «سیاسی»

مسأله‌های کشور را از دریچه «رویکرد

سیاستی» طرح کرد، نه «رویکرد سیاسی». اما تفاوت این دو رویکرد در چیست؟ رویکرد سیاسی، همه مسائل را سیاسی می‌داند و سیاست را هم در نزاع و ستیز و جالش تعریف می‌کند. اما رویکرد سیاسی، بر حل مسأله تأکید کرد، مسأله را امری پیچیده و مرتبط با نظام حکمرانی می‌داند که با ذی‌نفعان بسیاری در دولت، نظام حکمرانی، جامعه و بخش‌های اقتصادی ارتباط دارد. بنابراین، اگر مسأله‌های کشور را «سیاستی» ببینیم و نه «سیاسی»، درمی‌یابیم که دیگر نمی‌توان با یک دستور رئیس‌جمهوری، با اراده معاون اول، دستور فلان وزیر، اراده فلان نماینده یا دستور فلان مدیرکل آن را حل کرد. برای روشن شدن موضوع، می‌توان

گزارش

مرتضی گل‌پور

دبیر گروه سیاسی

«شما بگویید ما چه کار کنیم؟» یکی از مهم‌ترین فرازهای سخنان رئیس‌جمهوری در نشست با مدیران رسانه‌ها بود. مسعود پزشک‌یان در دیدار یکشنبه گذشته با فعالان رسانه‌ای، صریح‌تر و شفاف‌تر از همیشه صحبت کرد. اما بسیاری از رسانه‌ها یا جریان‌های سیاسی در قبال این سخنان رویکرد «سیاسی» را انتخاب کردند، درحالی که بررسی بیشتر سخنان رئیس‌جمهوری نشان می‌دهد پزشک‌یان

مشکلات بزرگ و پیچیده و سندروم «حک‌شدگی»

الگوهای تکرارشونده تخصیص سرمایه‌ها، ساختارهای شکل گرفته تعاملات، ارتباطات و فرآیندها یا حتی الگوهای تکرارشونده روندها در ترتیبات نهادی یک جامعه است. بنابراین، اگر حک‌شدگی را در همه شئون حیات انسان مفروض بگیریم، باید گفت کنشگران با تصمیم گیران در اغلب موارد هنگام مواجهه با یک مسأله، ابتدا تلاش نمی‌کنند تا آن را کاملاً تعریف کنند و بعد مسأله را کشف یا راه‌حل ارائه دهند، بلکه به جای این کارها، افراد به دلیل مکانیزم حک‌شدگی، برحسب دانشی که تا آن زمان کسب کرده و اندوخته‌اند و براساس راه‌حلهایی که تا این زمان شناخته‌اند، مسائل را تعریف و راه‌حل را هم براساس دانسته‌های خود تدوین می‌کنند. به نظر می‌رسد یکی از مشکلات نظام تعریف و تخصیص مسأله‌ها در ایران، حک‌شدگی راه‌های ساده و پیش‌پاافتاده است؛ راه‌هایی که به‌صورت تاریخی در ذهن سیاست‌گذاران جاگیر شده است. این راه‌حل‌های ساده و تاریخی را باید شاه‌کلیدهای ذهنیت تصمیم‌سازان نامید. به عنوان مثال، در مواجهه با بحران آب، وقتی تصمیم‌سازان از ظرفیت لازم برای تعریف دقیق مسأله برمیای پیچیدگی‌های واقعی آب برخوردار می‌شوند، مثلاً وقتی تهران با بحران آب روبه‌رو می‌شود، کسی دنبال شناسایی ریشه‌ها و پیچیدگی‌های مسأله نمی‌رود، بلکه همان راه‌حل قدیمی پیشنهاد می‌شود: «منابع آبی جدید برای تأمین آب تهران پیدا کنیم!»

امروز مسائل جامعه ایران دارای سطحی از پیچیدگی و درهم‌تنیدگی است که راه‌حل‌های ساده و همیشگی، حتی نمی‌تواند تسکین دهنده باشد. «هم‌آیندی بحران‌ها» سبب تشدید چالش‌ها شده و در این شرایط راه‌حل‌های ساده حتی می‌توانند بحران‌آورین باشند. ما در گذشته با راه‌حل‌های ساده، موقتی و کوتاه‌مدت، ظهور بحران‌ها را به تأخیر انداختیم. اما حالا بحران‌ها در ابعاد بزرگ‌تر و به‌صورت هم‌زمان رخ نموده‌اند. چاره در این است که راه‌حل‌های ساده و تکراری چند دهه گذشته که در ذهن ما حک شده، از ذهن ما زدوده شود و به جای آنها، با تعریف دقیق مسائل و چالش‌ها و شناسایی همه ابعاد آنها، راه‌حلهایی با همان سطح از پیچیدگی طراحی کنیم.

امروز کشور ما گرفتار معضلات و مسائل بزرگی است. نام دیگر این مسائل «ابرچالش» است. محمد فاضلی وضعیت امروز را «هم‌آیندی بحران‌ها» نام نهاد. «هم‌آیندی بحران» یعنی ناتوانی در حل ریشه‌های مسائل و ادامه دار شدن آنها، به این جا می‌رسد که بحران‌ها، همه با هم از راه می‌رسند، آن هم درحالی که هر کدام پیچیده‌تر هم شده‌اند. دلیل این است که نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، فاقد «ظرفیت لازم برای حل مسأله» بوده و ظرفیت موجود هم به‌تدریج دچار فرسایش شده. البته که برای «حل مسأله» باید اراده سیاسی لازم وجود داشته باشد. «حل مسأله» به اراده سیاسی، ساده‌انگارانه است. اولین گام حل مسأله، تشخیص وجود مسأله، ارائه تعریف دقیق و درست از مسأله، شناختن همه ابعاد و بازیگران آن و شناسایی راه‌های حل آن است. بعد از همه اینها، باید یک راه را انتخاب و دنبال کرد. برخی فکر می‌کنند پاسخ به اینکه «رابطه مسأله و راه‌حل چیست؟» بسیار ساده است. این ساده‌انگاری به این دلیل است که افراد، فرآیند شناخت مسأله‌های چندلایه اجتماعی و حکمرانی را ساده می‌گیرند. درحالی که تحلیل کنش‌های اجتماعی در جامعه، فرآیندی معکوس را نشان می‌دهد. به عنوان مثال مفهوم «حک‌شدگی» در نظریه‌های اقتصادی، نشان می‌دهد که کنش‌های اقتصادی افراد، ناشی از عقلانیت و تصمیم فردی آنان نیست، بلکه در شبکه پیچیده روابط اجتماعی افراد ریشه دارد. می‌توان «حک‌شدگی» را به فراتر از کنشگران اقتصادی هم تسری داد و گفت اساساً همه کنش‌های اجتماعی انسان از حک‌شدگی ناشی می‌شود. حک‌شدگی، حک‌شدگی ناشی می‌شود. با چنین نگاهی، باید گفت اساساً تعریف کردن مسائل، ارائه راه‌حل‌ها، تعریف سیاست‌ها، تدوین برنامه‌ها و به طور کلی همه ابعاد اجتماعی زندگی انسان، از حک‌شدگی ناشی می‌شود. حک‌شدگی و شناسایی همه ابعاد آنها، راه‌حلهایی با همان سطح از پیچیدگی طراحی کنیم.



میتیم ملک‌شاه
پژوهشگر حوزه حکمرانی

داده و شفافیت است. حکمرانی بدون دسترسی به داده‌های دقیق، پهنکام و قابل اشتراک، در واقع تصمیم‌گیری بر اساس حدس و گمان است. ایجاد بستری یکپارچه برای تبادل داده میان نهادها، تضمین دسترسی مبتنی بر نقش، حفظ حریم خصوصی شهروندان و توسعه داشبوردهای زنده برای رصد شاخص‌های کلیدی، امکان‌پذیر مستند و واکنش سریع به تغییر شرایط را فراهم می‌کند. با این حال، برای آنکه چنین فرآیندهایی به نتیجه برسد، نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور نیز نیازمند اصلاحات ساختاری است. تکنیک روشن میان سطوح تعیین اهداف کلان، طراحی سیاست‌ها و اجرای برنامه‌ها، ایجاد کمیته‌های تخصصی بین‌بخشی یا اختیار واقعی، استقرار واحدهای تحویل در بالاترین سطح اجرایی برای رفع گلوگاه‌ها و نهادینه‌سازی قواعد شفافیت و پاسخگویی، از جمله اقداماتی است که باید به‌طور جدی پیگیری چرخه‌های مداوم «تصمیم خوب، اجرای دقیق و یادگیری سریع» محقق می‌شود. کشوری که بتواند این چرخه را به بخشی از «دی‌ان‌ای» حکمرانی خود تبدیل کند، حتی در مواجهه با پیچیده‌ترین چالش‌ها نیز توانایی حفظ ثبات، اصلاح مسیر و پیشبرد اهداف راهبردی خود را خواهد داشت. یکی از مصادیق عملی ارتقای کیفیت تصمیم‌سازی در ایران، بهره‌گیری نظام‌مند از تجربه و دانش وزرای ادوار و نمایندگان پیشین مجلس است، فارغ از گرایش‌ها و تعلقات سیاسی آنان. این افراد به واسطه حضور مستقیم در فرآیندهای قانون‌گذاری، اجرا و تعاملات بین‌قوای، انباشتی ارزشمند از تجربه‌های موفق و ناموفق در اختیار دارند که می‌تواند برای مواجهه با مسائل پیچیده امروز کشور الهام‌بخش باشد. ایجاد یک سازوکار رسمی و بی‌طرفانه برای مشورت‌گیری از این سرمایه انسانی، نه تنها به غنای فکری نظام تصمیم‌سازی کمک می‌کند، بلکه با ارسال پیام وحدت‌محور به جامعه، به تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی نیز یاری می‌رساند. چنین رویکردی، در کنار استفاده از نخبان علمی و فعالان بخش خصوصی، می‌تواند حلقه مشورت در حکمرانی را از دایره محدود سیاسی خارج کرده و به یک شبکه ملی یادگیری و تصمیم‌سازی بدل کند.

حل مسائل پیچیده نیازمند تغییر روش حکمرانی است

سخن گفتن از پیچیدگی مسائل ایران، به معنای اذعان به آن است که راه‌حل‌های خطی و ساده‌انگارانه دیگر کارایی لازم را ندارند. ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور در چنان درهم‌تنیدگی‌هایی قرار گرفته که هر تغییر در یک حوزه، پیامدهایی پیش‌بینی نشده در حوزه‌های دیگر ایجاد می‌کند. در چنین محیطی، حکمرانی موفق نیازمند رویکردی است که به جای تمرکز صرف بر پاسخ‌های از پیش آماده، بر فرآیندهای شناخت عمیق یادگیری سریع و مقیاس‌بندی اقدامات مؤثر تکیه کند. نقطه آغاز این مسیر، تغییر نگاه به خود «تعریف مسأله» است. بسیاری از چالش‌های ملی از جنس مسائل پیچیده‌اند که مرزها، ذی‌نفعان و روابط علی‌شان به سادگی قابل ترسیم نیست. شناسایی دقیق شبکه بازیگران، منافع متضاد، حلقه‌های بازخورد و روندهای تأثیرگذار، پیش‌نیاز هر تصمیم مؤثر است. این مرحله باید با ابزارهای علمی تحلیل سیستم‌ها، نقشه‌برداری علی و مدل‌سازی سناریویی پشتیبانی شود تا تصویر شفافی از واقعیت ارائه شود. گام بعدی، ایجاد سازوکارهایی برای تولید گزینه‌های سیاستی است. تشکیل نهادهای چابک و میان‌بخشی با مأموریت مشخص، حضور همزمان کارشناسان مدنی و به‌کارگیری روش‌های نوآورانه مانند اتاق‌های سیاست‌گذاری مأموریت‌گرا، می‌تواند به تولید سناریوهای عملیاتی کمک کند. در این فرآیند، وجود تیم‌های مستقل که مأموریت‌شان نقد و به چالش کشیدن پیشنهادهاست، مانع از غلبه نگاه تک‌بعدی یا منافع کوتاه‌مدت می‌شود. آزمایش و اجرای مرحله‌ای سیاست‌ها بخش حیاتی این چرخه است. هر طرح پیش از تعمیم ملی باید در مقیاس کوچک و با شاخص‌های موقیعت مشخص اجرا شود و نتایج آن به‌طور شفاف ارزیابی شود. این ارزیابی باید نه صرفاً بر مبنای خروجی فوری، بلکه با در نظر گرفتن اثرات جانبی و پایداری نتایج انجام شود. پذیرش این واقعیت که برخی اقدامات در مرحله آزمایش شکست خواهند خورد، نشانه ضعف نیست بلکه بخشی طبیعی از فرآیند یادگیری در حکمرانی پیچیده است. پشتیبان همه این مراحل، زیرساخت



داوود منظور
رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

مشکل اصلی در برخورد با تصمیمات پیچیده‌ای همچون تصمیم درباره بنزین، ترس از پیامدهای اجتماعی، تنش‌ها و اختلاف‌نظرهای جناحی و سیاسی است که موجب تعلل، تعویق یا نیمه‌کاره ماندن اصلاحات کلیدی شده و بحران‌ها را عمیق‌تر می‌کند. برای مثال، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی که اصلاح آن با به افزایش هزینه از جیب نیروی شاغل یا کاهش پرداختی به بازنشستگان منجر می‌شود، همیشه به دلیل پیامدهای اجتماعی و پیچیدگی موضوع به تعویق افتاده است. اما در مواجهه با این مسائل پیچیده چه باید کرد؟ راهکار این است که تصمیمات کلان و پیچیده مربوط به مسائل پیچیده، به جای تبدیل شدن به ابزار منافع جناحی، با مشارکت فعال و بحث‌های گسترده در جامعه و رسانه‌ها انجام شوند. شفافیت و اطلاع‌رسانی کامل به مردم، امکان اقناع و پذیرش عمومی را بالا می‌برد و در نتیجه، تصمیمات سخت را به نحوی کم‌دردت‌ر و مؤثرتر قابل اجرا می‌کند. رسانه‌ها و روزنامه‌ها بویژه صداسویمیا می‌توانند در این مسیر بسیار مؤثر باشند. آنان می‌توانند با ایجاد فضای گفت‌وگو، بیان نقطه نظرات موافق و مخالف، و روشن کردن الزامات و پیامدهای هر تصمیم، جامعه را به سمت پذیرش و همکاری سوق دهند. در نهایت، نکته کلیدی این است که مسئولان و جامعه باید منافع جناحی را کنار گذاشته و تنها مصلحت ملی را محور تصمیم‌گیری‌ها قرار دهند. این رویکرد، کلید عبور از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی پیچیده و حرکت به سوی توسعه پایدار و عدالت اجتماعی است. راه‌حل‌های ساده نمی‌توانند به نسخه‌های پایدار یا عادلانه تبدیل شوند. زیرا اگر تنها به یک جنبه نگاه کنیم، قطعاً به جنبه دیگری آسیب می‌رسانیم. راه‌حل‌های یک خطی ممکن است در کوتاه مدت برخی مشکلات را ظاهراً حل کنند، اما در بلندمدت بحران‌های پیچیده‌تر و بزرگ‌تری پدید آورند.

در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مسائل و تصمیمات معمولاً به دو دسته ساده و پیچیده تقسیم می‌شوند. تصمیمات ساده آنهایی هستند که منافع کلی جامعه را به طور مساوی تضمین می‌کنند و به ضرر هیچ کس نیستند، مانند افزایش ظرفیت شبکه مخابراتی، گسترش شبکه جاده‌ای یا ریلی. این تصمیمات عموماً تنها چالش‌شان تأمین منابع مالی و بسیج امکانات است و انجام آنها در صورت فراهم بودن بودجه و اولویت بندی مناسب، امکانپذیر است. اما در مقابل، تصمیمات پیچیده اغلب دارای منافع متعارض گروه‌های مختلف و پیامدهای اجتماعی گسترده هستند. به عنوان مثال، محدود کردن واردات کالایی مانند پارچه یا برنج به نفع تولیدکنندگان داخلی است، اما به زیان مصرف‌کنندگانی است که ممکن است مجبور شوند کالای گران‌تر داخلی را بخرند. تولیدکنندگان معمولاً هرگونه واردات را بی‌رویه می‌دانند و مقابل آن موضع می‌گیرند، در حالی که مصرف‌کنندگان با بودجه محدود ترجیح می‌دهند از برنج ارزانتر خارجی استفاده کنند. یکی از نمونه‌های بارز تصمیمات پیچیده، مسأله قیمت حامل‌های انرژی است. در حالی که حفظ قیمت پایین این حامل‌ها به نفع اقشار محروم است و هزینه سنگینی بر بودجه عمومی کشور تحمیل می‌کند. در مقابل، اصلاح قیمت‌ها به سمت قیمت واقعی‌تر، ممکن است هزینه زندگی بخش قابل توجهی از جامعه را افزایش دهد و به نوبه خود تنش‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی به همراه دارد. در همین حال، این هم هست که استمرار وضع فعلی نیز مستلزم اختصاص سالانه میلیاردها دلار بودجه برای تأمین سوخت است.

توجه به مصلحت ملی، تنها راه عبور از بحران



احمد شیرزاد
نماینده پیشین مجلس و استاد دانشگاه

دولت_کنار_مردم

همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولت همه تلاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون

زنجیره‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سر آن به مرزها و گمرکات کشور برای تأمین و ورود کالاهای اساسی می‌رسد، یا یک سر آن به مزارع کندم و جای می‌رسد و سر دیگر آن به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می‌کنند. خدمت

مهم تر دیگر دولت در این روزها، تأمین و پرداخت خسارت ایرانیانی است که در تجاوز دشمن، خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند یا خانه و کاشانه آنان آسیب دیده است. در این صفحه تلاش شده است بخشی از این اقدامات دولت، نه در قالب کلام، بلکه در قالب تصویر بیان شود.

وزارت صنعت و معدن



وزارت آموزش و پرورش



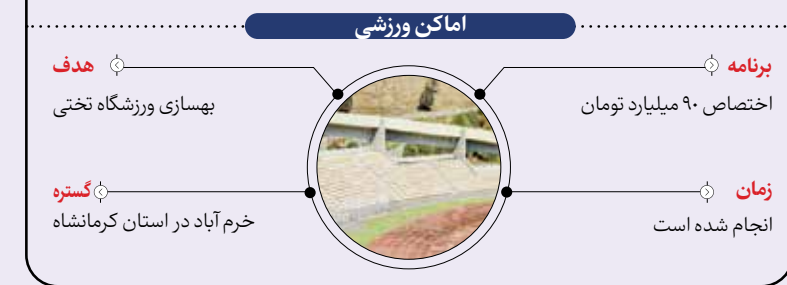
وزارت نیرو



تأمین آب



وزارت ورزش و جوانان



وزارت کشور



پرداخت تسهیلات

